بسم الله الرحمن الرحیم

**فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات بنیادین علوم انسانی در چهارچوب رسالت‌های مجمع عالی علوم انسانی اسلامی و با حمایت مؤسسه گفتمان پیشرفت منتشر می‌شود.**
**سال ۱۱ / شماره ۲ / شماره پیاپی ۳۹ / تابستان ۱۴۰۴**

**صاحب امتیاز و مدیر مسئول:** عطاءالله رفیعی آتانی
**سردبیر:** احمدحسین شریفی
**جانشین سردبیر:** سید محمدتقی موحد ابطحی
**مدیر اجرایی و بازبین نهایی:** سید مهدی موسوی
**ویراستار:** حمیدرضا عرفانی‌فر
**صفحه‌آرا و طراح جلد:** اعظم یزدلی
**اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:** **سعید بهشتی** (استاد گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.)، **سید محمدرضا تقوی** (استاد گروه روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز. شیراز. ایران.)، **عطاءالله رفیعی آتانی** (استادیار گروه اقتصاد دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران. ایران.)، **احمدحسین شریفی** (استاد گروه فلسفه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره). قم. ایران.)، **نجف لک‌زایی** (استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، **سید حسین میرمعزی** (دانشیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.)، **حسن آقانظری** (استاد گروه اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)
**اعضای مشورتی هیئت تحریریه:** **حسین بستان** (دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم. ایران.)، **سید احسان رفیعی علوی** (دانشیار گروه فقه مضاف دانشگاه باقرالعلوم(ع). قم. ایران.)، **محمدجواد نوروزی** (استاد گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره))، **جاوید اقبال** (استاد دانشگاه اسلامی علیگر. هند.)، **طلال عتریسی** (استاد دانشگاه بیروت. لبنان.)

**نشانی دفتر فصلنامه:**
**تهران:** اتوبان ارتش (شرق به غرب)، بعد از متروی شهید محلاتی، پلاک ۷۹ (ساختمان کاسپین)، طبقه اول، واحد ۲، مؤسسه گفتمان پیشرفت
کد پستی: ۱۹۵۵۷۵۳۷۴۷
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۷۷۳۸۸
**قیمت:** ۴۰۰/۰۰۰ تومان
**نشانی اینترنتی:** frh.sccsr.ac.ir **پست الکترونیک:** frh@sccsr.ac.ir

ISSN: 2476-745X
E-ISSN: 2783-1418

**فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی به استناد ماده واحده مصوب مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و براساس مصوبه ۵۸۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۶/۲۴ شورای عالی حوزه های علمیه، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۰۳/۲۰ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه از شماره ۱۵ به بعد حائز رتبه علمی-پژوهشی شد. رتبه علمی-پژوهشی این فصلنامه با درجه «ب» در تاریخ ۱۴۰۳/۰۵/۱۳ تمدید شده است.**

- مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
- فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
- نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

فصلنامه علمی - پژوهشی

# تحقیقات بنیادین علوم انسانی

| سال ۱۱ | شماره ۲ | شماره پیاپی ۳۹ | تابستان ۱۴۰۴ |

## فهرست مطالب


اولویت‌بندی رویکردهای تولید علوم انسانی اسلامی با تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)؛ مطالعه حلقه‌های مفقوده و چالش‌های زنجیره ارزش ۱۱
ابراهیم کیمیایی دوین، وحید ارشدی

دلالت‌های روشی، روش‌شناختی و نظام‌واره‌ای جایگاه تجربه در مدل فرهنگستان علوم اسلامی قم ۴۹
مرضیه عبدلی مسینان

بازخوانی «آسیب‌شناسی فرهنگی» با تکیه بر استعاره «انسان صدرایی» ۸۷
محمدرضا مالکی بروجین

بازخوانی رویکرد خداسو به درمان چندبُعدی معنوی در چهارچوب رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود ۱۲۵
سیدمحمدتقی موحد ابطحی، شهرزاد اسفندیاری

تسهیلگری والدین در پرورش تفکر چهارگانه کودکان زیر هفت سال: خوانشی در افق تحول علوم انسانی با رویکرد تحلیل انتقادی ـ تطبیقی ۱۶۹
سعیده اکبری‌نژاد، روح‌الله کریمی، صادق رضایی

اولویت‌بندی اصول اقتصاد اسلامی در طراحی نظام تکثر پولی با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP ۲۰۹
احمدعلی رضایی، محمدسعید پناهی بروجردی، سید حمید جوشقانی نائینی

# Prioritizing the Approaches to the Production of Islamic Humanities Using the Analytic Hierarchy Process (AHP); A Study of the Missing Links and Challenges of the Value Chain

**Ebrahim kimiyaei Devin** *

PhD in Political Science from Faculty of Islamic Studies and Political Science ,Imam sadiq University, Tehran, I.R.Iran

kimiyaei@isu.ac.ir

**Vahid Arshadi** *

Assistant Professor Institute For Islamic Studies in Humanities (IISH), Ferdowsi University of Mashhad, I.R.Iran (Corresponding author)

v.arshadi@um.ac.ir

## Abstract

Despite the diversity of epistemological schools, mainstream Western humanities are predominantly founded upon humanistic principles and have marginalized extra-empirical sources of knowledge (such as revelation and intuition) in the process of knowledge production. This characteristic has contributed to their relative inadequacy in addressing the spiritual, identity-related, and value-based needs of Islamic societies. In contrast, the idea of producing "Islamic humanities" – aimed at establishing a body of knowledge grounded in revelation, reason, intuition, and experience – has been advanced by Muslim scholars for decades and has led to the establishment of numerous academic institutions in countries such as Iran. However, this intellectual movement faces structural and epistemological challenges arising from the existence of **missing links** in the **value chain of knowledge production**. The value chain of Islamic humanities is a systematic process that begins with the formulation of theoretical foundations and proceeds through theory derivation, reconceptualization, design of practical solutions, and institutionalization. Any missing links within this chain undermine the efficacy of the final output. The main research question is: what are these missing links, and which of the four main approaches to producing Islamic humanities – foundational, remedial-complementary, purification, and advisory – is more effective in addressing each of these links? To answer this, the study employed the **Analytic Hierarchy Process (AHP)** , utilizing pairwise comparison questionnaires completed by experts. Ten criteria (missing links) were extracted from the literature and the data were analyzed. The findings indicated that the "gap between theory and practice" is the most significant missing link (weight: 0.15), followed by "lack of precise explanation of the impact of foundational principles on theories" (0.13), "methodological weakness" (0.12), and "weakness in critique and revision" (0.12). Furthermore, according to the experts, the **remedial-complementary approach** achieved the highest overall score (0.32) in addressing the set of missing links, followed by the foundational approach (0.31), the purification approach (0.22), and the advisory approach (0.16). The conclusion is that policymaking aimed at completing the value chain of Islamic humanities should focus on connecting theory and practice, and that the optimal strategy is a combination of the remedial approach in the practical domain and the foundational approach in the theoretical foundations.

**Keywords**: Analytic Hierarchy Process (AHP), Islamic Humanities, Value Chain, Missing Links.

https://orcid.org/0009-0009-3907-7068

https://orcid.org/0009-0009-6727-6023

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

# اولویت‌بندی رویکردهای تولید علوم انسانی اسلامی با تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)؛ مطالعه حلقه‌های مفقوده و چالش‌های زنجیره ارزش

**ابراهیم کیمیایی دوین**
دانش‌آموخته دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق(ع) مشهد، ایران
kimiyaei@isu.ac.ir
**وحید ارشدی**
استادیار پژوهشی گروه اقتصاد اسلامی، پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
(نویسنده مسئول)
v.arshadi@um.ac.ir

## چکیده

علوم انسانی رایج در غرب، علی‌رغم تنوع مکاتب معرفت‌شناختی، عمدتاً بر مبانی اومانیستی استوارند و منابع معرفتی فراتجربی را در فرآیند تولید علم کنار نهاده‌اند. این ویژگی موجب ناکارآمدی نسبی آن علوم در پاسخگویی به نیازهای معنوی، هویتی و ارزشی جوامع اسلامی شده است. درمقابل، اندیشه تولید «علوم انسانی اسلامی» با هدف تأسیس دانشی مبتنی بر وحی، عقل، شهود و تجربه، از دهه‌ها پیش در میان اندیشمندان مسلمان مطرح شده و نهادهای علمی متعددی در کشورهایی همچون ایران به آن اختصاص داده شده‌اند. بااین‌حال، این جریان فکری با چالش‌های ساختاری و معرفتی‌ای مواجه است که ناشی از وجود حلقه‌های مفقوده در زنجیره ارزش تولید علم می‌باشند. زنجیره ارزش تولید علوم انسانی اسلامی، فرآیندی نظام‌مند از تدوین مبانی نظری تا استنباط نظریه، بازتعریف مفاهیم، طراحی راهکارهای کاربردی و نهادینه‌سازی است که در صورت وجود حلقه‌های مفقوده میان مراحل آن، خروجی نهایی کارآمدی حاصل نخواهد شد. سؤال اصلی پژوهش این است که این حلقه‌های مفقوده کدامند و از میان چهار رویکرد اصلی تولید علوم انسانی اسلامی (تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای)

کدام‌یک در رفع هریک از این حلقه‌ها کارآمدتر است؟ برای پاسخ، پژوهش حاضر با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و با استفاده از پرسشنامه مقایسات زوجی در اختیار خبرگان انجام شد. ده معیار (حلقه مفقوده) از ادبیات استخراج و داده‌ها تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که «ارتباط بین نظریه و عمل» با وزن 0.15 مهم‌ترین حلقه مفقوده است و پس‌ازآن به‌ترتیب «عدم تبیین دقیق تأثیر بنیان‌ها بر نظریات» (۰/۱۳)، «ضعف روش‌شناسی» (0.12) و «ضعف نقد و بازنگری» (0.12) قرار دارند. همچنین از نظر خبرگان، رویکرد ترمیمی-تکمیلی با امتیاز نهایی ۰/۳۲ بالاترین کارایی را در مواجهه با مجموعه حلقه‌ها دارد و رویکردهای تأسیسی (۰/۳۱)، تهذیبی (۰/۲۲) و توصیه‌ای (۰/۱۶) در رتبه‌های بعدی هستند. نتیجه آنکه سیاست‌گذاری برای تکمیل زنجیره ارزش علوم انسانی اسلامی باید بر پیوند نظریه و عمل متمرکز شود و راهبرد بهینه، تلفیقی از رویکرد ترمیمی در عرصه اجرا و رویکرد تأسیسی در بنیان‌های نظری است.
**واژگان کلیدی:** علوم انسانی اسلامی، زنجیره ارزش، حلقه‌های مفقوده، تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP).

## مقدمه

از دو قرن پیش، تولید علوم انسانی اسلامی یا علم دینی در کشورهای اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان، فیلسوفان و نظریه‌پردازان برجسته در برابر ورود علم غربی به جامعه مسلمین مطرح بوده است (ایمان، ۱۴۰۲). شخصیت‌هایی همچون سیدمحمد نقیب العطاس، اسماعیل الفاروقی، مظفر اقبال، علی شریعتی، محمدباقر صدر و سیدعلی خامنه‌ای بر این باور بودند که علوم انسانی متأثر از فرهنگ و ارزش‌های جامعه است و بر آن تأثیر می‌گذارد (خورشیدی، ۱۳۹۰). بااین‌حال، علی‌رغم تأسیس نهادهای علمی متعدد در ایران و سایر کشورهای اسلامی و بسترسازی حداکثری حاکمیت پس از انقلاب اسلامی (رمضانی و حمانی، ۱۳۹۳)، فرآیند تولید علوم انسانی اسلامی با چالش‌های ساختاری و معرفتی مواجه است. آنچه به‌عنوان «حلقه‌های مفقوده» در زنجیره ارزش این دانش (از مبانی نظری تا کاربست اجتماعی) شناخته می‌شود، باعث شده است

که در دانشکده‌های علوم انسانی ایران، علوم انسانی اسلامی گاه «شبه علم» خوانده شود و برخی اندیشمندان حتی امکان آن را مورد تردید قرار دهند (حسینی و محیطی اردکانی، ۱۴۰۰؛ موحد ابطحی، ۱۴۰۲). مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که این حلقه‌های مفقوده کدامند و چگونه می‌توان آنها را اولویت‌بندی کرد.

علوم انسانی به‌عنوان «نرم‌افزار تمدن» نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به ارزش‌ها، نهادها و رفتارهای اجتماعی دارند. از دیدگاه متفکران اسلامی، علوم انسانی رایج غربی - با وجود تنوع روش‌شناختی - عمدتاً بر مبانی سکولار و اومانیستی استوار بوده و از منابع معرفتی فراتجربی (وحی، شهود) غفلت کرده‌اند (پارسانیا، ۱۳۸۸). این ویژگی موجب ناکارآمدی نسبی آن‌ها در پاسخگویی به نیازهای معنوی و هویتی جوامع اسلامی شده است. در ایران، تحقق «تمدن نوین اسلامی» به‌عنوان هدف نهایی انقلاب اسلامی، مستلزم تولید علوم انسانی اسلامی است (ایمان، ۱۴۰۲؛ مصباح و گرایی، ۱۴۰۱) و اسناد بالادستی مانند «سند دانشگاه اسلامی» بر آن تأکید ویژه دارند. ازسوی‌دیگر، تجربه رشته‌هایی مانند اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که با وجود پژوهشگاه‌ها، انجمن‌های علمی و فصلنامه‌های تخصصی، هنوز ابهامات اساسی درباره وجود یا عدم وجود این دانش در میان مخاطبان حوزوی و دانشگاهی وجود دارد (حسینی و محیطی اردکانی، ۱۴۰۰؛ احمدی، ۲۰۲۵؛ سبحانی، ۱۴۰۰). بنابراین، شناسایی و اولویت‌بندی حلقه‌های مفقوده و نیز ارزیابی رویکردهای موجود برای رفع آن‌ها، یک ضرورت علمی و سیاستی فوری است.

هدف اصلی پژوهش حاضر، اولویت‌بندی حلقه‌های مفقوده در فرآیند تولید علوم انسانی اسلامی و همچنین ارزیابی و رتبه‌بندی چهار رویکرد اصلی تولید (تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای) براساس نظر خبرگان است. اهداف فرعی عبارتند از: (۱) شناسایی مهم‌ترین معیارهای (حلقه‌های) مؤثر بر ناکارآمدی زنجیره ارزش؛ (۲) تعیین

وزن هریک از این حلقه‌ها با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) ؛ (۳) مقایسه کارایی چهار رویکرد در مواجهه با هریک از حلقه‌ها؛ و (۴) ارائه پیشنهادهای عملیاتی برای تکمیل زنجیره ارزش.

سؤال اصلی پژوهش: مهم‌ترین حلقه‌های مفقوده در فرآیند تولید علوم انسانی اسلامی کدامند و از میان چهار رویکرد اصلی (تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای) کدام‌یک بیشترین کارایی را در رفع این حلقه‌ها دارد؟

سؤالات فرعی:

ترکیب بهینه رویکردهای تولید علوم انسانی اسلامی برای رفع حلقه‌های مفقوده کدام است؟

رتبه هریک از چهار رویکرد تولید علوم انسانی اسلامی براساس مجموع معیارها چیست؟

پس از مرور پیشینه پژوهش و مبانی نظری، روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) تشریح می‌شود. سپس یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌های خبرگان شامل وزن معیارها و امتیاز نهایی رویکردها ارائه می‌گردد. درنهایت، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی برای بهبود فرآیند تولید علوم انسانی اسلامی بیان خواهد شد. امید است که نتایج این پژوهش بتواند به‌عنوان مبنایی برای تحقیقات آینده در این حوزه مورد استفاده قرار گرفته؛ و به توسعه علوم انسانی اسلامی کمک کند.

## ۱. پیشینه پژوهش

موحد ابطحی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «آینده علوم انسانی اسلامی در ایران؛ تحقیقی مبتنی بر تحلیل روند» در صدد بوده است اثبات کند که علوم انسانی اسلامی ایده‌ای رو به

رشد و درنتیجه آینده‌دار است و باید عوامل شتاب‌دهنده آن را احصا نموده و بر آن‌ها تمرکز کرد تا در زمان مطلوبی شاهد اثربخشی آن در جامعه باشیم. ایشان با شرایط موجود، زمان پیش‌بینی شده را برای اثربخشی بیش از چهل سال پیش‌بینی کرده است.

موحد ابطحی و ابراهیم‌پور (۱٤۰۱) به بررسی فواید جریان‌شناسی علوم انسانی اسلامی می‌پردازند و نشان می‌دهند که این رویکرد می‌تواند به درک بهتر نظریه‌ها، تسهیل فرایند آموزش و یادگیری، و انتخاب آگاهانه مسیر پژوهش کمک کند. علوم انسانی مدرن در بستر تاریخی و فرهنگی غرب شکل گرفته و عمدتاً سکولار هستند، اما در جهان اسلام جریانی برای اسلامی‌سازی این علوم ایجاد شده که هدف آن تلفیق آموزه‌های دینی با دانش انسانی است. جریان‌شناسی علوم انسانی اسلامی با استفاده از مطالعات تاریخی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اقتصادی، ابعاد مختلف این جریان را تحلیل می‌کند و فواید متعددی دارد ازجمله شناخت دقیق جریان‌های فکری، تسهیل آموزش و یادگیری، درک پیچیدگی فضای علمی، انتخاب آگاهانه مسیر پژوهش، و آسیب‌شناسی و آینده‌پژوهی. مقاله همچنین به چالش‌های پیش‌روی این جریان مانند فقدان مطالعات جامع، تقلید از علوم غربی و ضعف ساختاری نظام آموزشی اشاره کرده و درنهایت نتیجه می‌گیرد که جریان‌شناسی علوم انسانی اسلامی نه‌تنها یک ضرورت علمی است بلکه زمینه‌ساز توسعه علوم انسانی متناسب با ارزش‌های اسلامی و نیازهای جامعه ایران خواهد بود.

عباس‌زاده و غفاری (۱٤۰۱) با تعریف علوم انسانی به‌عنوان دانش‌هایی که ابعاد غیرزیست‌شناختی انسان را مطالعه می‌کنند، بر اهمیت تولید این علوم با مبانی اسلامی تأکید دارند. آن‌ها چهار رویکرد تأسیسی، ترمیمی، تهذیبی و توصیه‌ای را در تولید علوم انسانی اسلامی معرفی کرده و پنج مبنا شامل واقع‌گرایی، مطابقت‌گرایی، مبناگرایی، یقین‌گرایی و عقل‌گرایی را به‌عنوان مبانی معرفت‌شناختی این علوم برمی‌شمارند. این مبانی

به‌صورت شبکه‌ای به هم مرتبط بوده و در شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی نقش اساسی دارند. مقاله همچنین به نقش ابزارهای معرفت مانند حس، عقل و شهود، و منابعی مانند متون دینی در تولید علوم انسانی اسلامی اشاره می‌کند و تفاوت‌های آن با علوم انسانی غربی را بررسی می‌نماید.

حسینی و محیطی اردکانی (۱٤۰۰) در مقاله‌ای با بررسی امکان علوم انسانی اسلامی براساس دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی به چالش‌های روش‌شناختی آن پرداخته‌اند. براساس نتایج به‌دست آمده، تمایز روش علمی از روش فهم متون دینی و تفکیک مقام «گردآوری» از مقام «داوری» از مهم‌ترین چالش‌های دین شناختی امکان علوم انسانی اسلامی دانسته شده است. آیت‌الله مصباح یزدی با تبیین مبانی لازم برای اسلامی‌سازی علوم انسانی، ازجمله مبانی روش شناختی، هم به این چالش‌های یادشده پاسخ گفته و هم با تأکید بر ضرورت علم دینی، راه را برای ارائه نمونه‌های عینی علوم انسانی اسلامی نیز نشان داده است.

علیرضا شیرزاد و علی الهامی (۱٤۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بایسته‌های تحقق علوم انسانی متناسب با تمدن نوین اسلامی» به تبیین الزامات علوم انسانی به‌عنوان پایه‌های فکری شکل‌دهنده تمدن نوین اسلامی و بررسی وظایف اندیشمندان مسلمان پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که علوم انسانی رایج، با مبانی غربی خود نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای تمدن نوین اسلامی باشد و لازم است با بازتعریف این علوم براساس مبانی اسلامی، گام‌های اساسی در جهت شکل‌گیری تمدنی مبتنی بر آموزه‌های اصیل اسلامی برداشته شود. این تحول نیازمند خودباوری علمی، وحدت فکری و توانایی استنباط از منابع دینی ازسوی اندیشمندان مسلمان است.

تقوی (۱۳۹٦) در مقاله خود به بررسی سه مؤلفه کلیدی الگوی روش‌شناختی علوم

انسانی اسلامی می‌پردازد: موضوع‌شناسی، نظام مفاهیم پایه، و جهت‌داری علوم. تقوی با رویکردی عملیاتی نشان می‌دهد که موضوعات پژوهشی باید براساس اهداف الهی و نیازهای انسان اسلامی تعیین شوند، مفاهیم پایه از منابع دینی مانند قرآن و سنت استخراج گردند، و علوم انسانی با جهت‌گیری الهی و الهام از سیره معصومین (ع) شکل بگیرند. وی تأکید می‌کند که این علوم نیازمند همکاری بین‌رشته‌ای فقها، فیلسوفان، و عرفا برای کشف منطق حاکم بر نظام‌واره اسلامی است. تقوی نتیجه می‌گیرد که علوم انسانی اسلامی باید به‌عنوان یک کل منسجم، مبتنی بر مبانی الهی و روش‌های متناسب با جهان‌بینی اسلامی توسعه یابد. این پژوهش با ارائه چهارچوبی عملیاتی، گامی اساسی در جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه اسلامی و تولید علم دینی فاخر محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به تبیین نقش نهادهای علمی و دینی در این فرایند بپردازند.

مظفرپور و زیباکلام (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «علوم انسانی اسلامی در ایران: واکاوی نقش جریان‌های فکری پیش از انقلاب در شکل‌گیری آن» زمینه‌هایی که موجب مطرح‌شدن چنین بحثی در میان اندیشمندان، دانشگاهیان و به‌طورکلی در سطح جامعه شده را بررسی می‌کنند. ریشه‌های این موضوع به تحولی فکری باز می‌گردد که به‌تدریج از اواخر دهه ۱۳۲۰ شمسی در نگرش و بینش دینی اقشار تحصیل‌کرده و روشنفکر جامعه ازیک‌سو و برخی روحانیان نواندیش ازسویی‌دیگر پدید آمد. زمینه دیگر، به اوایل انقلاب اسلامی بازمی‌گردد که وجود پاره‌ای ناسازگاری‌ها میان برخی دانشگاهیان با حکومت اسلامی، چه در قالب فعالیت‌های گروه‌های سیاسی دانشجویی مخالف انقلاب مانند گروه‌های چپ و چه در قالب دیدگاه‌های عده‌ای از استادان، به ضرورت اسلامی‌کردن علوم انسانی و همراه‌ساختن آن با انقلاب افزود. سرانجام با پیروزی انقلاب اسلامی تلاش‌هایی برای عملی‌کردن این تفکر در قالب انقلاب فرهنگی صورت گرفت.

رمضانی و حمانی (۱۳۹۳) به بررسی تاریخچه و پیشینه علوم انسانی اسلامی در ایـران پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ می‌پردازد و نشان می‌دهـد کـه انقـلاب اسـلامی بـا ماهیـت فرهنگی و دینی خود، خواستار تحول بنیادین در علوم انسانی بر اسـاس آموزه‌هـای اسـلامی بود. پس از انقلاب، با دستور امام خمینی (ره) دانشگاه‌ها تعطیل و سـتاد انقـلاب فرهنگـی تشکیل شد تا محتوای دروس دانشگاهی بازنگری شود، چرا که علوم انسانی موجود متأثر از غرب و ناسازگار با مبانی اسـلامی تشـخیص داده شـده بـود. در سـال‌های بعـد، نهادهـای متعددی مانند سازمان سمت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، فرهنگستان علـوم اسـلامی قـم و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تأسیس شدند تا به اسلامی‌سازی علوم انسانی بپردازند. این نهادها اقداماتی مانند انتشار کتاب‌های تخصصی، برگزاری سمینارهای علمـی و ایجـاد واحدهای درسی معارف اسلامی را انجام دادنـد، امـا بـا چالش‌هـایی ماننـد سـطحی‌بودن تغییرات، کم‌توجهی به ارتباط حوزه و دانشـگاه، غلبـه نگـاه سیاسـی بـر علمـی و مقاومـت جریان‌های فکری مقابل تغییرات روبه‌رو بودند. اگرچه تلاش‌های گسترده‌ای صورت گرفته، اما اسلامی‌سازی علـوم انسـانی به‌صـورت ریشـه‌ای محقـق نشـده و نیـاز بـه برنامـه‌ریزی بلندمدت، تقویت همکاری حوزه و دانشگاه و تولیـد نظریـه‌های بـومی احسـاس می‌شـود. درنهایت، مقاله بر این نکته تأکید دارد که با وجود تمام کاستی‌ها، حرکت بـه سـمت علـوم انسانی اسلامی با هدایت رهبران انقلاب و تلاش نهادهای متولی ادامه دارد و امید می‌رود با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، گام‌های مؤثرتری در این مسیر برداشته شود.

خورشیدی (۱۳۹۰) به تأثیر رسانه‌های جمعی بر تولید علوم انسانی می‌پردازد. وی تبیین می‌کند که رسانه‌های جمعی به واسطه قدرت تبیین، قدرت هنر و نظـام ارتبـاطی کـه دارنـد همانند هر پدیدهٔ اجتماعی دیگر بر فرایند تولید علم اثر می‌گذارنـد. ایـن مقالـه بـا بررسـی عوامل معرفتی و غیرمعرفتی دخیل در فرایند تولید علم دینی و نیـز مـروری بـر چنـد نظریـه

مطرح در حوزه «اثرات رسانه‌ای»، بر نقش رسانه‌ها در فرایند تولید علوم انسانی اسلامی تأکید دارد.

با توجه به مرور پیشینه پژوهش، مشاهده می‌شود که مطالعات انجام‌شده عمدتاً به‌صورت کیفی، توصیفی، تاریخی یا نظری به موضوع علوم انسانی اسلامی پرداخته‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی آینده و روند توسعه علوم انسانی اسلامی (موحد ابطحی، ۱۴۰۲)، برخی به جریان‌شناسی و فواید آن (موحد ابطحی و ابراهیم‌پور، ۱۴۰۱)، برخی به معرفی چهار رویکرد و مبانی معرفت‌شناختی (عباس‌زاده و غفاری، ۱۴۰۱)، برخی به چالش‌های روش‌شناختی (حسینی و محیطی اردکانی، ۱۴۰۰) و برخی دیگر به بایسته‌های تمدنی (شیرزاد و الهامی، ۱۴۰۰)، مؤلفه‌های روش‌شناسی (تقوی، ۱۳۹۶)، زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری (مظفرپور و زیباکلام، ۱۳۹۵)، تاریخچه نهادسازی پس از انقلاب (رمضانی و حمانی، ۱۳۹۳) و نقش رسانه‌ها (خورشیدی، ۱۳۹۰) پرداخته‌اند. بااین‌حال، تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با تمامی مطالعات پیشین در سه نکته اساسی خلاصه می‌شود: اول، گردآوری و دسته‌بندی نظام‌مند ده حلقه مفقوده در قالب معیارهای ارزیابی که اگرچه برخی از این حلقه‌ها در پژوهش‌های پیشین نیز مطرح بوده‌اند، اما تاکنون در یک چهارچوب منسجم و جامع گردآوری و دسته‌بندی نشده بودند؛ دوم، بهره‌گیری از روش کمّی تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) برای اولویت‌بندی این حلقه‌ها به جای رویکردهای صرفاً توصیفی یا نظری؛ سوم، ارزیابی و رتبه‌بندی عددی چهار رویکرد تولید علوم انسانی اسلامی (تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای) براساس نظر خبرگان و در مواجهه با معیارهای مشخص (حلقه‌های مفقوده). به‌عبارت‌دیگر، این مقاله نخستین تلاش برای کمّی‌کردن اولویت‌ها و مقایسه تطبیقی مبتنی بر شواهد در حوزه حلقه‌های مفقوده علوم انسانی اسلامی محسوب می‌شود.

## ۲. مبانی نظری و مفهومی پژوهش

### ۱-۲. چیستی علوم انسانی

علوم انسانی به دانش‌هایی اطلاق می‌شود که به ابعاد غیرزیست‌شناختی انسان (باورها، گرایش‌ها، منش‌ها و کنش‌ها) می‌پردازند (عباس‌زاده و غفاری، ۱۴۰۱). علم در مقام ثبوت، کشف واقع است و مهم‌ترین پرسش، آن است که کشف واقع از چه منابع معرفتی و به چه روشی صورت می‌گیرد. این نقطه، یکی از مهم‌ترین نقاط تمایز علوم انسانی غربی از علوم انسانی اسلامی محسوب می‌شود.

### ۲-۲. فرآیند تولید علوم انسانی

تولید علوم انسانی، فرآیندی پیچیده و چندبعدی دارد که نیازمند درک عمیق از مبانی فلسفی، روش‌های تحقیق، و شناخت دقیق پدیده‌های اقتصادی و روابط آن با سایر پدیده‌های اجتماعی است. نظریه‌پردازی در علوم انسانی، برخلاف علوم طبیعی، با چالش‌های خاصی مانند پویایی رفتار انسانی، تأثیرات فرهنگی و اجتماعی، و عدم امکان انجام آزمایش‌های کنترل‌شده مواجه است. ازاین‌رو، روش‌های مختلفی برای تولید نظریه‌های اقتصادی و علوم انسانی به‌کار گرفته می‌شود. تولید نظریه در رشته‌های مختلف علوم انسانی متفاوت بوده و هرکدام روش‌شناسی خاص خود را دارند. به‌عنوان‌نمونه، از منظر روش‌شناسی اثبات‌گرایان، تولید نظریه‌های اقتصادی فرآیندی چندمرحله‌ای است که شامل مشاهده، تحلیل داده‌ها، فرضیه‌سازی، آزمون تجربی و تدوین چهارچوب نظری می‌باشد. روش‌های مورد استفاده در این حوزه شامل استقرا، قیاس، تحلیل تاریخی و مدل‌سازی ریاضی است. اقتصاددانان برای توسعه نظریات جدید، علاوه بر تسلط بر روش‌های کمی و کیفی، باید با مبانی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی نیز آشنا باشند. تولید علوم انسانی و نظریه‌های آن بر پایه چند اصل اساسی انجام می‌شود (ر.ک: جوارشکیان، ۱۳۴۴؛ هال، ۲۰۰۵؛ سلزنیک، ۲۰۲۰؛ توفیقی، ۱۳۸۷):

۱. ماهیت پدیده‌های انسانی و اجتماعی: پدیده‌های علوم انسانی، برخلاف علوم طبیعی، متأثر از اراده و انتخاب‌های انسانی هستند. این امر باعث پیچیدگی در تدوین نظریات می‌شود.

۲. نقش ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها: نظریه‌های علوم انسانی معمولاً در چهارچوب نظام‌های ارزشی و فرهنگی شکل می‌گیرند. در اقتصاد، نظریات می‌توانند از مکاتب لیبرالی، سوسیالیستی یا اسلامی الهام بگیرند.

۳. تعدد روش‌های شناخت و پژوهش: علوم انسانی ترکیبی از روش‌های کمی (آماری، ریاضیاتی) و کیفی (تحلیل تفسیری، فلسفی و تاریخی) را به‌کار می‌گیرند.

۴. کاربرد میان‌رشته‌ای: نظریه‌های علوم انسانی معمولاً از دانش رشته‌های مختلف بهره می‌برند.

**۲-۳. علوم انسانی اسلامی: مبانی و تمایزها**

«علوم انسانی اسلامی» یکی از مباحث اساسی در حوزه فلسفه علوم و نظریه‌های اجتماعی است که با توجه به آموزه‌های متعدد اسلامی و قواعد فرازمانی و فرامکانی در آیات و روایات، در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورهای مسلمان (اعم از شیعه و سنی) موردتوجه قرار گرفته است. هدف از این فرآیند، تبیین و تولید دانش انسانی به‌گونه‌ای است که با مبانی و ارزش‌های اسلامی هم‌خوانی داشته باشد. شهید مطهری علوم انسانی غربی را به‌دلیل شکل‌گیری در بستر اندیشه‌های مادی و طبیعت‌گرایانه و محدود شدن به عقل ابزاری و تجربه، ناکافی می‌داند و معتقد است علوم انسانی اسلامی باید بر پایه وحی، سنت و عقل کلی استوار باشد و از ابزارهای متنوعی مانند حس، عقل، شهود و وحی بهره برد. ویژگی‌های کلیدی علوم اسلامی از دیدگاه ایشان شامل ماهیت توحیدی، کثرت‌گرایی در ابزارهای معرفتی، فطرت‌محوری، استناد به منابع معتبر (قرآن و سنت) و ارزش‌محوری است

(کربلایی پازوکی و تفرشی، ۱۳۸۶). توسلی (۲۰۲۵) نیز با اشاره بـه دوگـانگی موجـود در علوم اجتماعی اسـلامی، تأکیـد می‌کنـد کـه ایـن حـوزه علمـی میـان اتخـاذ رویکردهـای پارادایماتیک جایگزین و هم‌راستایی بـا گفتمان‌هـای ایـدئولوژیک در نوسـان اسـت و ایـن وضعیت، چالش‌های جدی را برای اعتبار علمی آن ایجاد کرده است. علوم انسانی اسلامی به مجموعه‌ای از دانش‌ها و نظریه‌های علمی اطلاق می‌شود که با تکیه بر مبـانی معرفتـی و ارزش‌های بنیادین اسلامی، تولید، اصلاح و توسعه می‌یابنـد. ایـن دانـش در راسـتای ارائـه چهارچوب‌های مفهومی و الگوهای نظری منطبق با جهان‌بینی توحیدی، در تلاش است تـا پاسخگوی نیازهای فکری، فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی باشد. این علوم باید کشـف واقع از منابع مختلف معرفتی باشـند و در راسـتای اهـداف و غایـات اسـلامی قـرار گیرنـد (مصباح و گرایی، ۱۴۰۱). از نگاه شهید مطهری، هر علمی کـه در رشـد و تعـالی انسـان و برآوردن نیازهای جامعه اسلامی مؤثر باشد و ماهیت توحیدی و فطرت‌گرا داشـته باشـد، در زمره علوم اسلامی قرار می‌گیرد (کربلایی پازوکی و تفرشی، ۱۳۸۶).

**۴-۲. رویکردهای چهارگانه در تولید علوم انسانی اسلامی**

عباس‌زاده و غفاری (۱۴۰۱) چهار رویکرد را در تولید علوم انسانی اسلامی احصا کرده‌انـد که نشان‌دهنده عدم همگرایی میان معتقدان به علوم انسانی اسلامی و پیچیـدگی ایـن حـوزه است. این رویکردها به شرح زیر هستند:

رویکرد تأسیسی: ایجـاد علـوم انسـانی اسـلامی از ابتـدا و به‌صـورت بنیـادی بـه‌عنوان پیش‌نیاز تمدن نوین اسلامی.

رویکرد ترمیمی و تکمیلی: تکمیل و بازطراحی علوم انسانی موجود با استفاده از مبـانی اسلامی.

رویکرد تهذیبی: پیراستن علوم انسانی موجود از آموزه‌های متضاد با اسلام و بازسازی آن‌ها.

رویکرد توصیه‌ای: ارائه توصیه‌هایی برای بهبود علوم انسانی موجود براساس آموزه‌های اسلامی.

در ادامه، هریک از این رویکردها با تفصیل بیشتر توضیح داده می‌شود:

**۲-۴-۱. رویکرد تأسیسی**

در این دیدگاه، به‌طور کامل تلاش می‌شود تا تمامی ابعاد علوم انسانی براساس مبانی شریعت اسلام بازسازی شود. اصول و ارزش‌های دینی باید به‌طور جامع در تمام ارکان و اجزای علوم انسانی گنجانده شوند و درنتیجه، علوم انسانی مدرن که از فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌های دیگر ریشه گرفته است، به‌طور کامل دگرگون شود. رویکرد تأسیسی در دو قالب عمده دنبال می‌شود (موسوی، ۱۴۰۳): نخست، استنباط از آیات و روایات و روش اجتهادی که در آن با مراجعه مستقیم به منابع اصیل دینی (قرآن و سنت) و بهره‌گیری از روش اجتهادی، مبانی، مفاهیم و نظریه‌های علوم انسانی استخراج می‌گردد؛ دوم، امتداد بخشیدن به فلسفه اسلامی برای تولید فلسفه علوم انسانی و به‌دنبال آن نظریه علوم انسانی که در آن فلسفه اسلامی به‌عنوان بستر و زیرساختِ نظری برای تولید علوم انسانی در نظر گرفته می‌شود.

**۲-۴-۲. رویکرد ترمیمی و تکمیلی**

این دیدگاه می‌پذیرد که برخی از علوم انسانی می‌توانند تحت‌تأثیر و اصلاح ارزش‌های اسلامی قرار گیرند، اما به‌طور کلی نباید تمام علوم انسانی را تغییر داد. اصلاح و تجدید نظر در برخی مفاهیم و نظریه‌ها، به‌ویژه در زمینه‌هایی چون اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، باید در دستور کار قرار گیرد. ویژگی‌های مهم آن عبارتند از: حفظ دستاوردهای علم مدرن (هم‌زیستی و تعامل میان علم مدرن و آموزه‌های اسلامی) و پرهیز از انکار علم مدرن (بهره‌گیری از علم غربی در راستای نیازهای جوامع اسلامی).

**۲-۴-۳. رویکرد تهذیبی**

این دیدگاه به‌ویژه در جایی مطرح می‌شود که علوم انسانی و مفاهیم اسلامی به‌طور هم‌زمان در یک فضای علمی مشترک قرار دارند و از هر دو حوزه علم مدرن و اسلام بهره‌برداری می‌شود. در این رویکرد، نه به‌طور کامل تمام مفاهیم اسلامی در علوم انسانی وارد می‌شود و نه به‌طور کامل از آن‌ها خارج می‌گردد (رفینال و همکاران، ۲۰۲۴). مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارتند از: تعامل و هم‌زیستی (به جای یکپارچگی مطلق، تأکید بر تعامل) و نگاه جامع‌نگر به انسان (توجه هم‌زمان به نیازهای معنوی و مادی).

**۲-۴-۴. رویکرد انتقادی و نقد علوم انسانی غربی**

این دیدگاه بر این باور است که علوم انسانی شکل‌گرفته در غرب، بر پایه‌های فلسفی سکولار و اومانیستی استوار است و بنابراین نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای معنوی و دینی جوامع اسلامی باشد. این رویکرد خواهان بازنگری بنیادین در ساختار علوم انسانی است و به رویکرد اول (تأسیسی) نزدیک‌تر است. ویژگی‌های آن شامل نقد علم مدرن (نقد بنیان‌های فلسفی، اجتماعی و فرهنگی علوم انسانی غربی) و تولید علوم انسانی اسلامی (تأسیس علوم انسانی جدید و بومی بر مبنای اصول اسلامی) می‌باشد.

**۲-۵. زنجیره ارزش تولید علوم انسانی اسلامی**

برای تحقق علوم انسانی اسلامی، فرآیندی نظام‌مند، مرحله‌ای و زنجیره‌وار ضروری است که از مبانی نظری آغاز و تا کاربست اجتماعی و نهادینه‌سازی امتداد می‌یابد. این زنجیره ارزش شامل گام‌های اساسی زیر است:

**گام نخست: تدوین مبانی نظری**

پایه و اساس هر نظریه در علوم انسانی اسلامی مبتنی بر سه رکن هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی است. بازتعریف واقعیت اجتماعی، ماهیت

انسان و منابع معتبر شناخت (عقل، تجربه و وحی)، نخستین و بنیادی‌ترین گام در این زنجیره به شمار می‌آید (پارسانیا، ۱۳۸۸). پارسانیا، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی را به‌عنوان مبانی اساسی علوم انسانی می‌داند که زیربنای هر رویکردی در این حوزه است.

**گام دوم: استنباط نظریه از متون دینی**

پس از تدوین مبانی، فرآیند استنباط نظریه از متون دینی آغاز می‌شود. این مرحله به روش‌هایی نظیر تفسیر موضوعی، تحلیل محتوای کیفی و روش‌های ترکیبی (مانند مدل‌های چندمرحله‌ای اجتهادی) انجام می‌پذیرد (کمانی نجف‌آبادی، ۱۴۰۲). در این میان، تفسیر موضوعی کارکردهای متعددی دارد و می‌تواند مبانی معرفتی حاکم بر علوم انسانی (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی) را نقد و بازسازی نماید.

**گام سوم: بازتعریف مفاهیم و اصطلاحات**

هر نظریه برای عملیاتی‌شدن، نیازمند زبانی متناسب با نظام ارزشی خود است. در علوم انسانی اسلامی، مفاهیم رایج علوم انسانی غربی (مانند جامعه، آزادی و حقوق بشر) بر اساس جهان‌بینی توحیدی بازتعریف می‌شوند (خسروپناه، ۱۳۹۵).

**گام چهارم: اعتبارسنجی و تطبیق با واقعیت**

نظریه تولیدشده، پیش از هرگونه اجرا باید از منظر تطابق با شریعت و عقلانیت اسلامی و نیز کارآمدی در حل مسائل عینی جوامع اسلامی، ارزیابی و اعتبارسنجی گردد (حسینی و محیطی اردکانی، ۱۴۰۰). عقلانیت علمی و اعتبار معرفتی یکی از محورهای مهم در فلسفه علوم انسانی است. عقلانیت هر نظریه علمی باید همراه با حجیت و اعتبار در سطوح گزاره‌ها، نظریه‌ها و نظام‌های معرفتی مورد بررسی قرار گیرد تا تمدن‌سازی اسلامی از رهگذر آن تحقق یابد.

**گام پنجم: نهادینه‌سازی و اجرا**

در صورت احراز اعتبار، نظریه باید از مرحله انتزاعی خارج و از طریق نهادهـای آموزشـی، پژوهشگاه‌ها و نظامات اجرایی، به گفتمان مسلط و رفتار اجتماعی تبدیل شود. تحقق علـوم انسانی اسلامی نیازمند سیاسـت‌گذاری هدفمنـد، جوشـش از درون و حمایـت از بیـرون و تدوین برنامه زمانی معقول است (حسنی و علیپور، ۱۳۹۰). نهادینه‌سازی و اجـرا بـه‌عنوان حلقه مفقوده اصلی در زنجیره ارزش علوم انسانی اسلامی مطرح است.

ازجملـه مهم‌تـرین ویژگی‌هـای ایـن زنجیـره، تلفیـق وحـی و عقـل در روش‌شناسـی، جهت‌گیری آرمان‌گرا با تأکید بر سعادت دنیوی و اخـروی و انعطاف‌پـذیری در چهـارچوب ثابتات دینی است. نظریه‌های علوم انسانی اسلامی نه‌تنها باید اصالت دینـی خـود را حفـظ کنند، بلکه باید قابلیت روزآمدی و پاسخگویی بـه مسـائل نوپدیـد را نیـز دارا باشـند. ایـن زنجیره ارزش با نظارت مستمر و به‌روزرسـانی دانـش در مواجهـه بـا تحـولات اجتمـاعی، پویایی خود را حفظ کرده و ضمن وفاداری به مبانی دینی، پاسخگوی نیازهای متغیر جوامـع اسلامی باقی می‌ماند.

### ۲-۶. حلقه‌های مفقوده در زنجیره ارزش تولید علوم انسانی اسلامی

براساس مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل چالش‌های مطرح‌شده در پژوهش‌های پیشین (ازجمله حسینی و محیطـی اردکـانی، ۱۴۰۰؛ موحـد ابطحـی، ۱۴۰۲؛ رمضـانی و حمـانی، ۱۳۹۳؛ احمدی، ۲۰۲۵) و یافتـه‌های نویسـندگان، ده حلقـه مفقـوده اصـلی در زنجیـره ارزش علـوم انسانی اسلامی شناسایی شده است. پیش از پرداختن به ده حلقه مفقـوده، لازم اسـت تأکیـد شود که اصطلاح «حلقه مفقوده» در این پژوهش به معنای عام آن به‌کار رفته و شامل دو دسـته از موانع می‌شود: نخست، حلقه‌های کاملاً غایب که در زنجیـره ارزش اصـلاً وجـود ندارنـد، مانند ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصـرف؛ و دوم، حلقـه‌های

موجود اما ناکارآمد که به دلایلی مانند ضعف اجرا، ناهماهنگی نهادی یا بسترهای نامناسب، کارکرد مطلوب خود را ایفا نمی‌کنند، مانند ارتباط نظریه و عمل که به‌رغم وجود برخی نظریه‌ها، همچنان گسست عمیقی میان آن و کاربست اجتماعی مشاهده می‌شود. این حلقه‌ها به‌عنوان معیارهای ارزیابی در روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) مورد استفاده قرار خواهند گرفت. در ادامه، هریک از این ده معیار به اختصار تعریف و تشریح می‌شود:

**۱. عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی**

منظور نبودِ چهارچوب نظری روشن برای تبیین این امر است که تغییر در انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی (از مبانی سکولار به اسلامی) چگونه به تغییر در نظریات رایج علوم انسانی (مانند نظریه رفتار مصرف‌کننده یا تولیدکننده در اقتصاد) منجر می‌شود. ابهام در این حوزه، اعتماد به خروجی علوم انسانی اسلامی را کاهش می‌دهد.

**۲. عدم تعریف دقیق و مورد اجماع از علوم انسانی اسلامی**

نبود تعریف واحد و پذیرفته‌شده از «علوم انسانی اسلامی» باعث شده است که برخی آن را تطبیق علوم موجود با آموزه‌های دینی بدانند و برخی دیگر به‌دنبال تأسیس علوم کاملاً جدید باشند. این وضعیت، زمینه تشکیک در امکان یا وجود علم دینی را فراهم کرده است.

**۳. ضعف در روش‌شناسی**

تمایز روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی از روش‌شناسی علوم انسانی غربی (به‌ویژه در بهره‌گیری از منابع معرفتی غیر از اثبات‌گرایی مانند وحی و شهود) به‌خوبی تبیین نشده است. همچنین نسبت رویکردهای چهارگانه (تأسیسی، ترمیمی، تهذیبی، توصیه‌ای) با روش‌شناسی مشخص نیست.

**۴. کمبود منابع و متون علمی**

ضعف تولید محتوا در حوزه علوم انسانی اسلامی، به‌ویژه آثاری که خروجی‌های متفاوتِ

حاصل از مبانی اسلامی را در مقایسه با جریان رقیب نشان دهند. این کمبود شامل متون درسی، مقالات پژوهشی و مطالعات تطبیقی می‌شود.

**۵. ضعف در آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص**

با وجود نهادهای علمی متعدد، تعداد پژوهشگرانی که توانایی تولید نظریه با بهره‌گیری از منابع چهارگانه معرفتی (حس، عقل، شهود، وحی) را داشته باشند، بسیار محدود است. همچنین نظام ارزش‌گذاری اجتماعی، تمایل به تربیت و تربیت‌شدن در این حوزه را کاهش داده است.

**۶. ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف**

رسانه‌های جمعی نتوانسته‌اند جهان‌بینی اسلامی را در لایه‌های عمیق فرهنگی تثبیت کنند یا تقاضای اجتماعی برای علوم انسانی اسلامی ایجاد نمایند. عدم برنامه‌ریزی منسجم رسانه‌ای و فقدان محتوای آموزشی و هنری مبتنی بر مبانی دینی از مصادیق این ضعف است.

**۷. عدم ارتباط بین نظریه و عمل**

فاصله عمیق میان نظریه‌های تولیدشده در علوم انسانی اسلامی و کاربست آن‌ها در حل مسائل واقعی جامعه. تحت‌تأثیر فرهنگ غربی، نهادهای اجرایی و اجتماعی در عمل از الگوهای غیراسلامی پیروی می‌کنند و نظریه‌های اسلامی به مرحله اجرا نمی‌رسند. از منظر نظری، این حلقه را می‌توان با نظریه‌های کاربست دانش[1] و پژوهش‌های عمل‌محور[2] پیوند داد. در رویکرد کاربست دانش، تأکید بر سازوکارهای انتقال یافته‌های پژوهشی به عرصه عمل است و نبود چنین سازوکارهایی، حلقه مفقوده اصلی محسوب می‌شود. همچنین در پارادایم پژوهش‌های عمل‌محور، دانش زمانی معتبر تلقی می‌شود که در بستر عمل تولید و

1. Knowledge Application.
2. Action Research.

بازآزمایی شده باشد. نبود چنین رویکردی در علوم انسانی اسلامی، موجب شده است نظریه‌ها در سطح انتزاعی باقی بمانند و به مسائل عینی جامعه راه نیابند.

**۸. چالش‌های بین‌المللی (عدم پذیرش جهانی)**

سیطره علوم انسانی مدرن با نهادسازی سازمانی و شبکه‌ای قوی، زمینه را برای پذیرش جهانی علوم انسانی اسلامی محدود کرده است. نشریات بین‌المللی عموماً موضع منفی نسبت به نشر آثار علوم انسانی اسلامی دارند و این دانش با نقدهای علمی و رقابت نابرابر مواجه است.

**۹ .ضعف در نقد و بازنگری**

کرسی‌های علمی ترویجی و نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی ضعیف عمل کرده‌اند. نقد سازنده و بازنگری مستمر نظریه‌ها به اندازه کافی صورت نمی‌گیرد که این امر ممکن است به تکرار اشتباهات و عدم پیشرفت منجر شود.

**۱۰ .فقدان همگرایی بین‌رشته‌ای**

با توجه به اینکه دین اسلام یک کل منسجم و شبکه‌ای است و نظامات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن با یکدیگر مرتبط می‌باشند، تولید علوم انسانی اسلامی نیازمند همکاری بین‌رشته‌ای میان فلسفه، فقه، اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی است. این همگرایی در جامعه علمی کشورهای اسلامی به ویژه ایران به اندازه کافی وجود ندارد.

## ۳. روش‌شناسی

### ۱-۳. نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی-پیمایشی با

رویکرد تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) است. تحلیل سلسله‌مراتبی یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است که توسط توماس آل. ساعتی (۱۹۸۰) معرفی شد. این روش ابزاری قدرتمند و منعطف برای تحلیل مسائل پیچیده تصمیم‌گیری محسوب می‌شود و به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا گزینه‌های مختلف را براساس مجموعه‌ای از معیارها ارزیابی و اولویت‌بندی کنند (ساعتی، ۱۹۸۰). در این پژوهش از نسخه کلاسیک AHPو پیاده‌سازی در نرم‌افزار Excel استفاده شده است.

### ۲-۳. ساختار سلسله‌مراتبی تصمیم

براساس مرور نظام‌مند ادبیات در بخش‌های پیشینه و مبانی نظری، چهار گزینه (رویکردهای تولید علوم انسانی اسلامی) و ده معیار (حلقه‌های مفقوده) شناسایی و در قالب یک ساختار سلسله‌مراتبی سه سطحی سازماندهی شد:

سطح اول (هدف): اولویت‌بندی رویکردهای تولید علوم انسانی اسلامی.

سطح دوم (معیارها): ده حلقه مفقوده.

سطح سوم (گزینه‌ها): چهار رویکرد تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای.

### ۳-۳. جامعه آماری و نمونه خبرگان

جامعه آماری پژوهش شامل اساتید و صاحب‌نظران حوزه علوم انسانی اسلامی در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد اسلامی، فلسفه، علوم اجتماعی و مدیریت بود. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۲ نفر از خبرگان که دارای سابقه پژوهشی و تألیفی در زمینه علوم انسانی اسلامی بودند، انتخاب شدند. توزیع خبرگان براساس رشته‌های تخصصی به این شرح است: فلسفه (۳ نفر)، اقتصاد اسلامی (۳ نفر)، علوم سیاسی (۳ نفر)، جامعه‌شناسی (۱ نفر)، مدیریت (۱ نفر) و حقوق (۱ نفر). در روش AHP تمرکز بر کیفیت قضاوت‌های خبرگان است تا حجم زیاد داده‌ها، و تعداد ۱۰ تا ۲۰ خبره برای چنین پژوهش‌هایی مرسوم است.

### ۳-۴. ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار پژوهش پرسشنامه مقایسات زوجی مبتنی بر مقیاس ۹-درجه‌ای ساعتی بود. پرسشنامه در دو بخش طراحی شد:

مقایسه زوجی معیارها (ده معیار) نسبت به هدف - برای تعیین وزن هر حلقه مفقوده.

مقایسه زوجی گزینه‌ها (چهار رویکرد) نسبت به هر معیار - برای تعیین اولویت محلی هر رویکرد در مواجهه با هر حلقه مفقوده.

در پرسشنامه، برای هر جفت مقایسه، از خبرگان خواسته شد با استفاده از طیف ۱ تا ۹ (۱=اهمیت برابر، ۹=اهمیت مطلق) میزان ترجیح یک عنصر را بر عنصر دیگر مشخص کنند.

### ۳-۵. گام‌های اجرای روش

اجرای روش تحلیل سلسله‌مراتبی در این پژوهش در چهار گام اصلی انجام شد:

**گام اول: تشکیل ماتریس‌های مقایسه زوجی**

برای هر خبره، یک ماتریس ۱۰×۱۰ برای معیارها و ده ماتریس ۴×۴ برای گزینه‌ها (به‌ازای هر معیار) ساخته شد. در هر ماتریس، درایه‌های بالا و پایین قطر اصلی براساس اصل معکوس‌بودن تکمیل گردید.

**گام دوم: تجمیع نظرات خبرگان**

برای ترکیب قضاوت‌های ۱۲ خبره، از میانگین هندسی استفاده شد. میانگین هندسی به‌عنوان مناسب‌ترین روش برای تجمیع مقایسات زوجی در AHP گروهی شناخته می‌شود، زیرا نسبت به میانگین حسابی تأثیر مقادیر پرت را کاهش می‌دهد. بدین منظور، برای هر درایه از ماتریس تجمیعی، میانگین هندسی مقادیر متناظر در ماتریس‌های خبرگان محاسبه شد.

**گام سوم: محاسبه وزن نسبی عناصر**

برای استخراج وزن هر معیار و هر گزینه از روش میانگین حسابی سطری[1] استفاده شد. مراحل این روش به شرح زیر است:

محاسبه مجموع هر ستون از ماتریس مقایسات زوجی.

تقسیم هر درایه ماتریس بر مجموع ستون خود (نرمال‌سازی).

محاسبه میانگین اعداد هر سطر (میانگین حسابی سطری) که وزن نسبی عناصر آن سطح را نشان می‌دهند.

**گام چهارم: محاسبه نرخ ناسازگاری(CR)**

برای اطمینان از سازگاری قضاوت‌های خبرگان، نرخ ناسازگاری هر ماتریس به‌صورت زیر محاسبه شد:

- ابتدا بردار ویژه (با تقریب میانگین سطری) محاسبه گردید.
- سپس مقدار ویژه اصلی ($\lambda$max) از میانگین تقسیم بردار حاصل‌ضرب ماتریس در بردار ویژه بر درایه‌های بردار ویژه به دست آمد.
- شاخص سازگاری (CI) از فرمول زیر محاسبه شد:

$$CI = \frac{\lambda_{max} - n}{n - 1}$$

- نرخ ناسازگاری نیز از فرمول زیر به دست آمد، که در آن RI شاخص تصادفی ساعتی است (برای ماتریس‌های ۴×۴ و ۱۰×۱۰ از جدول استاندارد استفاده شد). ماتریس‌هایی با CR کمتر از ۰/۱ قابل‌قبول در نظر گرفته شدند.

1. Normalized Column Average.

$$CR = \frac{CI}{RI}$$

**گام پنجم: محاسبه وزن نهایی گزینه‌ها**

پس از محاسبه وزن معیارها (W_j) و وزن محلی هر گزینه نسبت به هر معیار(W_ij) ، وزن نهایی هر رویکرد از فرمول زیر به دست آمد:

$$W_{\text{final}}(i) = \sum_{j=1}^{n} (W_j \times W_{ij})$$

سپس گزینه‌ها بر اساس وزن نهایی رتبه‌بندی می‌شوند.

**۶-۳. روایی و پایایی**

روایی محتوایی معیارها (ده حلقه مفقوده) با مرور گسترده ادبیات و تأیید سه تن از اساتید حوزه علوم انسانی اسلامی (که در نمونه خبرگان حضور نداشتند) تأمین گردید. پایایی در روش AHP به‌جای شاخص‌هایی مانند آلفای کرونباخ، از طریق نرخ ناسازگاری (CR)ارزیابی می‌شود. در این پژوهش، تمامی ماتریس‌های مقایسات زوجی دارای CR کمتر از ۰/۱ بودند که نشان‌دهنده سازگاری قابل‌قبول قضاوت‌های خبرگان است.

## ۴. تحلیل یافته‌ها

در این بخش، نتایج حاصل از اجرای روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) در پنج گام اصلی ارائه می‌گردد. ابتدا ماتریس مقایسات زوجی تجمیعی معیارها گزارش می‌شود، سپس وزن و رتبه‌بندی حلقه‌های مفقوده، پس از آن ماتریس مقایسات زوجی گزینه‌ها، به‌دنبال آن وزن

محلی رویکردها در برابر معیارها و در نهایت وزن نهایی و رتبه‌بندی رویکردهای چهارگانه تولید علوم انسانی اسلامی ارائه می‌شود.

پس از تکمیل پرسشنامه‌های مقایسات زوجی توسط ۱۲ خبره و تجمیع نظرات با استفاده از میانگین هندسی، ماتریس ۱۰×۱۰ زیر برای معیارها به‌دست آمد. در این ماتریس، اعداد نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر معیار نسبت به معیار دیگر بر اساس مقیاس ۹-درجه‌ای ساعتی هستند. به‌عنوان مثال، مقدار ۲.۳۴ در سطر اول و ستون دوم به این معناست که «عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری» حدود ۲.۳۴ برابر «عدم تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی» اهمیت دارد.

**جدول شماره ۱: ماتریس مقایسات زوجی تجمیعی معیارها (ده حلقه مفقوده)**

| | عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | عدم تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | ضعف در روش‌شناسی | کمبود منابع و متون علمی | ضعف در آموزش و تربیت نیروی انسانی | ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | عدم ارتباط بین نظریه و عمل | چالش‌های بین‌المللی (عدم پذیرش جهانی، موضع منفی ژورنال‌های بین‌المللی) | ضعف در نقد و بازنگری | فقدان همگرایی بین‌رشته‌ای |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | 1.00 | 2.34 | 1.34 | 2.71 | 1.19 | 1.11 | 1.03 | 2.21 | 0.92 | 1.07 |
| عدم تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | 0.43 | 1.00 | 0.98 | 1.80 | 0.96 | 1.76 | 0.50 | 4.01 | 0.64 | 0.83 |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| فقدان همگرایی بین‌رشته‌ای | 1.35 | 0.60 | 1.13 | 1.88 | 2.08 | 0.31 |
| ضعف در نقد و بازنگری | 0.98 | 0.54 | 1.09 | 0.79 | 1.10 | 0.40 |
| چالش‌های بین‌المللی (عدم پذیرش جهانی، موضع منفی ژورنال‌های بین‌المللی) | 2.77 | 3.18 | 5.38 | 2.77 | 3.64 | 1.00 |
| عدم ارتباط بین نظریه و عمل | 0.65 | 0.51 | 0.57 | 0.80 | 1.00 | 0.27 |
| ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | 1.52 | 0.77 | 1.75 | 1.00 | 1.24 | 0.36 |
| ضعف در آموزش و تربیت نیروی انسانی | 1.38 | 0.99 | 1.00 | 0.56 | 1.73 | 0.18 |
| کمبود منابع و متون علمی | 2.57 | 1.00 | 1.01 | 1.28 | 1.96 | 0.31 |
| ضعف در روش‌شناسی | 1.00 | 0.38 | 0.72 | 0.65 | 1.53 | 0.36 |
| عدم تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | 1.02 | 0.55 | 1.04 | 0.56 | 1.97 | 0.24 |
| عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | 0.75 | 0.37 | 0.84 | 0.90 | 0.97 | 0.45 |
| | ضعف در روش‌شناسی | کمبود منابع و متون علمی | ضعف در آموزش و تربیت نیروی انسانی | ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | عدم ارتباط بین نظریه و عمل | چالش‌های بین‌المللی (عدم پذیرش جهانی، موضع منفی ژورنال‌های بین‌المللی) |

| | عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | عدم تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | ضعف در روش‌شناسی | کمبود منابع و متون علمی | ضعف در آموزش و تربیت نیروی انسانی | ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | عدم ارتباط بین نظریه و عمل | چالش‌های بین‌المللی (عدم پذیرش جهانی، موضع منفی ژورنال‌های بین‌المللی) | ضعف در نقد و بازنگری | فقدان همگرایی بین‌رشته‌ای |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ضعف در نقد و بازنگری | 1.08 | 1.55 | 1.01 | 1.84 | 0.91 | 1.26 | 0.90 | 2.49 | 1.00 | 1.98 |
| فقدان همگرایی بین‌رشته‌ای | 0.93 | 1.20 | 0.74 | 1.65 | 0.88 | 0.52 | 0.47 | 3.16 | 0.50 | 1.00 |

پس از نرمال‌سازی ماتریس مقایسات زوجی با استفاده از روش میانگین حسابی سطری، وزن نهایی هریک از ده معیار محاسبه گردید. نتایج نشان می‌دهد که «عدم ارتباط بین نظریه و عمل» با وزن ۰.۱۵ مهم‌ترین حلقه مفقوده در زنجیره ارزش تولید علوم انسانی اسلامی است. پس‌ازآن به‌ترتیب «عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی» با وزن ۰.۱۳، «ضعف در روش‌شناسی» با وزن ۰.۱۲ و «ضعف در نقد و بازنگری» با وزن ۰.۱۲ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. کمترین وزن متعلق به «چالش‌های بین‌المللی» با وزن ۰.۰۳ است که نشان‌دهنده توجه کمتر خبرگان به این معیار در مقایسه با سایر حلقه‌ها می‌باشد.

**جدول شماره ۲: وزن و رتبه‌بندی حلقه‌های مفقوده**

| رتبه | حلقه مفقوده (معیار) | وزن نرمال‌شده |
|---|---|---|
| ۱ | عدم ارتباط بین نظریه و عمل | ۰.۱۵ |
| ۲ | عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | ۰.۱۳ |
| ۳ | ضعف در روش‌شناسی | ۰.۱۲ |
| ۴ | ضعف در نقد و بازنگری | ۰.۱۲ |
| ۵ | ضعف در آموزش و تربیت نیروی انسانی | ۰.۱۱ |
| ۶ | عدم تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | ۰.۱۰ |
| ۷ | ضعف رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف | ۰.۰۹ |
| ۸ | فقدان همگرایی بین‌رشته‌ای | ۰.۰۹ |
| ۹ | کمبود منابع و متون علمی | ۰.۰۷ |
| ۱۰ | چالش‌های بین‌المللی (عدم پذیرش جهانی، موضع منفی ژورنال‌ها) | ۰.۰۳ |

در گام بعدی، برای هریک از ده معیار، یک ماتریس مقایسات زوجی ۴×۴ بین چهار رویکرد تولید علوم انسانی اسلامی (تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای) تشکیل شد. به‌دلیل حجم بالای داده‌ها، جدول زیر خلاصه‌ای از این ده ماتریس را به‌صورت امتیازات هر رویکرد در مواجهه با هر معیار (بر اساس مقیاس ۹-درجه‌ای) ارائه می‌دهد. به‌عنوان‌مثال، در معیار «امکان تبیین دقیق بنیان‌های نظری»، رویکرد تأسیسی با امتیاز ۶.۴۳ بالاترین امتیاز را کسب کرده است که نشان‌دهنده تناسب بالای این رویکرد برای تبیین بنیان‌های نظری است.

**جدول شماره ۳: ماتریس‌های مقایسات زوجی تجمیعی گزینه‌ها (چهار رویکرد) نسبت به هر معیار**

| | رویکرد تأسیسی | رویکرد ترمیمی و تکمیلی | رویکرد تهذیبی | رویکرد توصیه‌ای |
|---|---|---|---|---|
| امکان تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | 6.43 | 5.62 | 2.31 | 1.64 |
| امکان تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | 6.90 | 5.86 | 3.08 | 1.66 |
| قوت در روش‌شناسی | 5.36 | 5.51 | 4.46 | 2.23 |
| فراوانی منابع و متون علمی | 4.55 | 6.19 | 5.62 | 4.24 |
| آموزش و تربیت نیروی انسانی | 4.98 | 5.82 | 4.49 | 3.15 |
| امکان رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | 4.77 | 5.84 | 4.83 | 4.59 |
| ارتباط بین نظریه و عمل | 4.70 | 6.04 | 4.96 | 4.02 |
| پاسخگویی به چالش‌های بین‌المللی | 4.47 | 6.27 | 4.79 | 3.91 |
| قوت در نقد و بازنگری | 5.95 | 5.55 | 4.16 | 3.11 |
| همگرایی بین‌رشته‌ای | 5.95 | 6.31 | 3.58 | 2.54 |

پس از نرمال‌سازی ماتریس‌های مقایسات زوجی گزینه‌ها، وزن محلی هر رویکرد نسبت به هر معیار محاسبه گردید (جدول ۴). این اعداد نشان‌دهنده سهم هر رویکرد در هر معیار هستند و جمع اعداد در هر ستون برابر با ۱ است. نتایج نشان می‌دهد که رویکرد تأسیسی در معیارهای مرتبط با مبانی نظری (تبیین دقیق بنیان‌ها با ۰.۴۰ و تعریف دقیق با ۰.۳۹) بیشترین وزن را کسب کرده است. درمقابل، رویکرد ترمیمی-تکمیلی در معیارهای عملیاتی مانند «ارتباط بین نظریه و عمل» (۰.۳۱)، «پاسخگویی به چالش‌های بین‌المللی» (۰.۳۲) و «همگرایی بین‌رشته‌ای» (۰.۳۴) عملکرد بهتری داشته است. رویکرد توصیه‌ای در تمامی معیارها کمترین وزن محلی را به خود اختصاص داده است.

**جدول ۴: ماتریس وزن محلی رویکردها در برابر معیارها**

| وزن نهایی گزینه نسبت به معیار | امکان تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | امکان تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | قوت در روش‌شناسی | فراوانی منابع و متون علمی | آموزش و تربیت نیروی انسانی | امکان رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | ارتباط بین نظریه و عمل | پاسخگویی به چالش‌های بین‌المللی | قوت در نقد و بازنگری | همگرایی بین‌رشته‌ای |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رویکرد تأسیسی | 0.40 | 0.39 | 0.31 | 0.22 | 0.27 | 0.24 | 0.24 | 0.23 | 0.32 | 0.32 |
| رویکرد ترمیمی و تکمیلی | 0.35 | 0.33 | 0.31 | 0.30 | 0.32 | 0.29 | 0.31 | 0.32 | 0.30 | 0.34 |
| رویکرد تهذیبی | 0.14 | 0.18 | 0.25 | 0.27 | 0.24 | 0.24 | 0.25 | 0.25 | 0.22 | 0.19 |
| رویکرد توصیه‌ای | 0.10 | 0.09 | 0.13 | 0.21 | 0.17 | 0.23 | 0.20 | 0.20 | 0.17 | 0.14 |

در نهایی‌ترین گام تحلیل، وزن نهایی هر رویکرد از مجموع حاصلضـرب وزن معیارهـا (ستون آخر جدول ۲) در وزن محلی آن رویکرد نسبت به هـر معیـار (جـدول ۴) محاسـبه گردید. نتایج نشان می‌دهد که رویکرد ترمیمی-تکمیلی با وزن نهایی ۰.۳۲ در رتبه اول قرار دارد. رویکرد تأسیسی با وزن ۰.۳۱ در رتبـه دوم و بـا اخـتلاف بسـیار نـاچیزی (۰.۰۱) در جایگاه بعدی ایستاده است. رویکرد تهذیبی با وزن ۰.۲۲ و رویکرد توصیه‌ای با وزن ۰.۱۶ به ترتیب در رتبه‌های سوم و چهارم قـرار دارنـد. ایـن یافتـه‌ها نشـان می‌دهـد کـه از دیـدگاه خبرگان، رویکرد ترمیمی-تکمیلی که به‌دنبال تکمیل و بازطراحی علـوم انسـانی موجـود بـا استفاده از مبانی اسلامی است، بهترین راهبرد برای مواجهه با مجموعـه حلقـه‌های مفقـوده محسوب می‌شود. بااین‌حال، نزدیکی بسیار زیاد امتیاز رویکرد ترمیمی و تأسیسی حاکی از آن است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای علـم مـدرن، تأسـیس بنیـادین علـوم انسـانی اسلامی نیز ضروری است و راهبرد بهینه، تلفیقی از این دو رویکرد می‌باشد.

**جدول ۵: وزن نهایی رویکردها و رتبه‌بندی آن‌ها**

| | امکان تبیین دقیق بنیان‌های نظری و چگونگی تأثیر آن بر تغییر نظریات علمی | امکان تعریف دقیق از علوم انسانی اسلامی | قوت در روش‌شناسی | فراوانی منابع و متون علمی | آموزش و تربیت نیروی انسانی | امکان رسانه‌های جمعی در بسترسازی برای تولید، توزیع و مصرف علوم انسانی اسلامی | ارتباط بین نظریه و عمل | پاسخگویی به چالش‌های بین‌المللی | قوت در نقد و بازنگری | همگرایی بین‌رشته‌ای | مجموع |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رویکرد تأسیسی | 0.05 | 0.04 | 0.04 | 0.02 | 0.03 | 0.02 | 0.04 | 0.01 | 0.04 | 0.03 | 0.31 |
| رویکرد ترمیمی و تکمیلی | 0.05 | 0.03 | 0.04 | 0.02 | 0.04 | 0.03 | 0.05 | 0.01 | 0.04 | 0.03 | 0.32 |

| | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رویکرد تهذیبی | 0.02 | 0.02 | 0.03 | 0.02 | 0.03 | 0.02 | 0.04 | 0.01 | 0.03 | 0.02 | 0.22 |
| رویکرد توصیه‌ای | 0.01 | 0.01 | 0.02 | 0.01 | 0.02 | 0.02 | 0.03 | 0.01 | 0.02 | 0.01 | 0.16 |

## نتیجه

پژوهش حاضر با هدف اولویت‌بندی حلقه‌های مفقوده و ارزیابی تطبیقی چهار رویکرد اصلی تولید علوم انسانی اسلامی (تأسیسی، ترمیمی-تکمیلی، تهذیبی و توصیه‌ای) با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) انجام شد. یافته‌ها نشان داد که از میان ده حلقه مفقوده شناسایی‌شده، «عدم ارتباط بین نظریه و عمل» با وزن ۰.۱۵ بیشترین اولویت را دارد و پس از آن به‌ترتیب «عدم تبیین دقیق بنیان‌های نظری» (۰.۱۳)، «ضعف در روش‌شناسی» (۰.۱۲) و «ضعف در نقد و بازنگری» (۰.۱۲) در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. این نتایج به‌روشنی حاکی از آن است که مهم‌ترین آسیب‌شناختی فراروی علوم انسانی اسلامی، نه در کمبود منابع یا چالش‌های برون‌مرزی، بلکه در گسست میان معرفت نظری و کاربست اجتماعی آن است. به‌عبارت‌دیگر، انباشت نظریه‌پردازی‌های انتزاعی بدون تناظریابی با مسائل عینی جامعه، زنجیره ارزش تولید علم را در حلقه‌های میانی دچار اختلال اساسی می‌کند.

ازسوی‌دیگر، نتایج رتبه‌بندی رویکردهای چهارگانه نشان داد که رویکرد ترمیمی-تکمیلی با وزن نهایی ۰.۳۲ بالاترین کارایی را در مواجهه با مجموعه حلقه‌های مفقوده دارد. رویکرد تأسیسی با وزن ۰.۳۱ در فاصله‌ای بسیار اندک در رتبه دوم قرار گرفته است. این هم‌جواری معنادار دو رویکرد برتر، نشان‌دهنده آن است که خبرگان راهبرد بهینه را نه در یک‌سویگیِ صرف به تأسیس کامل یا اصلاح تدریجی، بلکه در رویکردی تلفیقی می‌دانند

که در آن ظرفیت‌های بازآفرینی بنیادین با قابلیت‌های بازطراحی نظام‌مند علوم موجود همراه شود. به عبارت دیگر، در بنیان‌های نظری (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی) اتخاذ رویکرد تأسیسی و بازسازی بنیادین مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ضروری است؛ اما در سطوح روش‌شناسی، آموزش، نهادسازی و تعامل با جامعه، رویکرد ترمیمی تکمیلی با بهره‌گیری از دستاوردهای علوم انسانی مدرن و اصلاح و تکمیل آن‌ها بر اساس مبانی اسلامی، کارآمدتر خواهد بود. رویکردهای تهذیبی (۰.۲۲) و توصیه‌ای (۰.۱۶) نیز به‌رغم برخی مزیت‌های موضعی، از کارایی کافی برای رفع نظام‌مند حلقه‌های مفقوده برخوردار نیستند.

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای سیاستی زیر برای تکمیل زنجیره ارزش علوم انسانی اسلامی ارائه می‌شود:

نخست، با توجه به اولویت نخستین حلقه مفقوده یعنی ارتباط بین نظریه و عمل، ضروری است سازوکارهای نهادی برای ترجمه نظریه‌های علوم انسانی اسلامی به سیاست‌های عملیاتی و آزمون‌پذیر طراحی شود. ایجاد مدارس مسئله‌محور در نهادهای علمی و الزام پژوهش‌های کاربردی به ارائه «طرح اجرا» در کنار چهارچوب نظری، می‌تواند گامی مؤثر در این مسیر باشد. دوم، با عنایت به اولویت دوم یعنی تبیین دقیق بنیان‌های نظری، بایسته است کارگروه‌های تخصصی مشترک از فیلسوفان، متکلمان و دانشمندان علوم انسانی برای تدوین روش‌شناسی ترکیبیِ مبتنی بر عقل، وحی، شهود و تجربه تشکیل شود و این چهارچوب به‌عنوان مبانی مشترک نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها ابلاغ گردد. سوم، براساس اولویت سوم و چهارم (ضعف در روش‌شناسی و ضعف در نقد و بازنگری)، توسعه کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد با حضور داوران ملی و بین‌المللی، راه‌اندازی نشریات تخصصی با داوری ساختاریافته، و بازنگری مستمر

برنامه‌های درسی در سطوح تحصیلات تکمیلی در دستور کار قرار گیرد. چهارم، با توجه به وزن نسبتاً پایین چالش‌های بین‌المللی (۰.۰۳) در نگاه خبرگان، تأکید بر دیپلماسی علمی و انتشار آثار به زبان‌های بین‌المللی نباید به‌عنوان اولویت مقدم، بلکه به‌عنوان اقدام تکمیل‌کننده پس از رفع آسیب‌های درونی مدنظر قرار گیرد.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی همچون تمرکز بر جامعه خبرگی ایران، محدودیت زمانی و تعداد محدود خبرگان در برخی رشته‌های تخصصی مواجه بوده است. ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با رویکردهای ترکیبی چون AHP فازی، دلفی فازی یا روش‌های شبکه‌ای (ANP) و با گسترش دامنه خبرگان به کشورهای اسلامی دیگر، به اعتباریابی و بسط یافته‌های این پژوهش بپردازند. همچنین بررسی تطبیقی تجربه‌های موفق نهادینه‌سازی علوم انسانی اسلامی در مالزی، اندونزی و پاکستان می‌تواند افق‌های جدیدی را برای تکمیل زنجیره ارزش در ایران بگشاید. درنهایت، این پژوهش نشان داد که مسیر تحقق علوم انسانی اسلامی از رهگذر تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد و اولویت‌گذاریِ کمّی-کیفی، به‌مراتب شفاف‌تر و عملیاتی‌تر از رویکردهای صرفاً نظری یا توصیفی خواهد بود.

## کتابنامه


۱. ایمان، م. ت. و کلاته ساداتی، ا. (۱۴۰۲). **روش‌شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان: مدلی روش‌شناختی از علم اسلامی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. پارسانیا، حمید (۱۳۸۸). **روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی** .قم: دفتر نشر معارف (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها).

۳. تقوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۸). تبیین سه مؤلفه از الگوی روش‌شناختی علوم انسانی اسلامی. **فصلنامه قبسات**،۲۴(۹۱)، ۱۹۹-۱۶۹.

۴. توفیقی، جعفر (۱۳۸۷). میان‌رشته‌ای‌ها: مفاهیم، رویکردها، دیرینه‌شناسی و گونه‌شناسی. **فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی**، ۱ (۱)، ۱۷-۱.

۵. جوارشکیان، عباس (۱۳۴۴) .مبانی نظری روش‌های تحقیق در علوم انسانی .**درس‌هایی از مکتب اسلام**، ۶(۱۰).

۶. حسنی، سیدحمیدرضا و علی‌پور، مهدی (۱۳۹۰). **پارادایم اجتهادی دانش دینی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۷. حسینی، س. ح. و محیطی اردکان، م. (۱۴۰۰).بررسی چالش‌های روش‌شناختی «امکان علوم انسانی اسلامی» براساس دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی. **عیار پژوهش در علوم انسانی**، ۱۲ (۲).

۸. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵).**در جستجوی علوم انسانی اسلامی** (جلد اول). قم: نشر معارف.

۹. خورشیدی، س. (۱۳۹۰). بایسته‌های رسانه‌های ارتباط جمعی در مسیر تولید علوم انسانی اسلامی. **معرفت فرهنگی اجتماعی**، ۲ (۳)، ۵-۳۲.

۱۰. رمضانی، م.ع. و حمانی، ک. (۱۳۹۳). مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی. م**طالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، ۱۸ (۱)، ۵-۲۰.

۱۱. سبحانی، حسن (۱۴۰۰). **ابهام‌زدایی از اقتصاد اسلامی**. تهران: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۲. شیرزاد، علیرضا و الهامی، علی (۱۴۰۰). بایسته‌های تحقق علوم انسانی متناسب با تمدن نوین اسلامی .**تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی**، ۱۲ (۴۲)، ۳۳-۵۲.

۱۳. عباس‌زاده، مهدی و غفاری، ابوالحسن (۱۴۰۱). علوم انسانی و مبانی معرفت‌شناختی آن در رویکرد اسلامی. **پژوهش‌های معرفت‌شناختی**، ۲۳ (۱۱)، ۴۵-۶۷.

۱۴. کربلایی پازوکی، علی و میرهادی تفرشی، محمدرضا. (۱۳۹۶) .چیستی علوم اسلامی و رابطهٔ آن با علوم انسانی از منظر شهید مطهری .**فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی**، ۲۱(۱) (پیاپی ۷۰)، بهار ۱۳۹۶.

۱۵. کمانی نجف‌آبادی، مهدی (۱۴۰۲). روش‌های نظریه‌پردازی براساس متون دینی در مطالعات علوم انسانی (مرور بازهٔ ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ ش). **تحقیقات بنیادین علوم انسانی**، ۹(۱) (پیاپی ۳۰)، ۱۴۴-۹۹.

۱۶. گرائی، عباس، و مصباح، علی (۱۴۰۱). الگوبرداری از تأسیس فلسفه اسلامی برای تأسیس علوم انسانی اسلامی مقدمه‌ساز تمدن نوین اسلامی. **مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی**، ۱(۱)، ۸۵-۱۱۴.

۱۷. مظفرپور، مختار و زیباکلام، صادق (۱۳۹۵) .علوم انسانی اسلامی در ایران: واکاوی نقش جریان‌های فکری پیش از انقلاب در شکل‌گیری آن. **فصلنامه سیاست**، ۴۶ (۱)، ۸۷-۱۰۷.

۱۸. موحد ابطحی، سیدمحمدتقی و ابراهیم‌پور، علی (۱۴۰۱). فواید جریان‌شناسی علوم انسانی اسلامی. **فصلنامه اسلام و علوم اجتماعی**، ۱۴ (۲۸)، ۵-۲۶. doi: 10.30471/soci.2022.8350.1761.

۱۹. موحد ابطحی، سیدمحمد تقی (۱۴۰۲). آینده علوم انسانی اسلامی در ایران؛ تحقیقی مبتنی بر تحلیل روند. **پژوهش‌های علم و دین**، ۱۴ (۱)، ۲۱۹-۲۴۶. doi: 10.30465/srs.2023.45514.2073

۲۰. موسوی، سیدمهدی (۱۴۰۳). **درآمدی بر علوم انسانی اسلامی در اندیشه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدّظلّه‌العالی)**. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

21. Ahmadi, H. (2025). The Tragedy of Humanities and Social Sciences in Iran: Contending Schools of Knowledge. **Sociology of Islam**, 11(1), 36-58. https://doi.org/10.1163/22131418-11010003.

22. Hall, John R. (2005). **Cultures of Inquiry: From Epistemology to Discourse in Sociohistorical Research**. Cambridge University Press.

23. Refinal, Ritonga, M., Rusydi, & Saputra, R. (2024). Epistemology of Knowledge: Bridging Western and Islamic Thought. **Solo International Collaboration and Publication of Social Sciences and Humanities**, 3(01), 95-110. https://doi.org/10.61455/sicopus.v3i01.250.

24. Saaty, Thomas L. (1980). **The Analytic Hierarchy Process: Planning, Priority Setting, Resource Allocation**. McGraw-Hill.

25. Selznick, Philip. (2020). **A Humanist Science: Values and Ideals in Social Inquiry**. Stanford University Press.

26. Tavasoli, A. (2025). Alternative Paradigms or Ideological Alignment?: The Duality of Islamic Social Science. **Sociology of Islam**, 11(1), 59-79. https://doi.org/10.1163/22131418-11010004.